

اول ماه می پرولتری، سرخ و انترناسیونالیستی

علیه امپریالیزم - جنگ امپریالیستی - ارتجاع و فاشیزم - استثمار، فقر و فلاکت بر پرولتاریا و خلق‌ها برای انقلاب دموکراتیک خلق‌ها، پرولتری و سوسیالیستی در سراسر جهان و در هر کشور به پیش!

پرولتاریای جهان اول ماه می را در شرایطی گرامی می‌دارند که خطر یک جنگ جهانی امپریالیستی جدید رو به افزایش است؛ جنگی که حتی می‌تواند به یک جنگ هسته‌ای تبدیل شود.

امپریالیزم در باتلاق بحران عمومی فرو رفته و همه تلاش‌ها برای خروج از این باتلاق ناکام مانده است. به همین دلیل، کشورهای عمده امپریالیستی (ایالات متحده آمریکا / اتحادیه اروپا / روسیه / چین) برای تقسیم مجدد جهان می‌جنگند تا کنترل منابع مواد خام و بازارهای جهانی را به دست آورند.

هر روز، امپریالیزم، دولت‌ها و حکومت‌هایش، احزاب پارلمانی و عواملش در درون جنبش‌های کارگری و مردمی، گام‌های عملی به سوی این جنگ جهانی جدید برمی‌دارند.

امپریالیزم آمریکا بخصوص، با ریاست‌جمهوری نازی وار ترامپ، سطح و شدت حرکت به سوی جنگ امپریالیستی را افزایش داده است؛ این جنگ نسل‌کشی مردمان فلسطین را به طور کامل پوشش داده است. این جنگ با تباری و تقابل با امپریالیزم روسیه برای تقسیم اوکراین، سپس به تجاوز علیه ونزوئلا اقدام نموده و اکنون نیز در جنگ تجاوزکارانه امپریالیستی و صهیونیستی علیه ایران، پیش رفته و همه و همه با هدف سرنگونی دولت‌ها و جایگزینی شان با حکومت‌های دست‌نشانده صورت گرفته است که با مقاومت شدید ملت و توده‌های ایران و لبنان روبرو شده است.

همچنین ایالات متحده آمریکا با به‌راه‌اندازی جنگ تعرفه‌ای تلاش کرده است قدرت‌های امپریالیستی اروپا و سایر کشورهای سرمایه‌داری و امپریالیستی را با برنامه‌ها و منافع خود همسو سازد که با مخالفت‌ها و توافقات مختلفی که به تضادهای ذات‌البینی امپریالیستی دامن می‌زند، روبرو گردید.

در عین حال، امپریالیزم آمریکا جنگی علیه توده‌های پرولتری، مهاجران و اپوزیسیون ضد فاشیستی و ضد امپریالیستی، زیر بیرق نژادپرستی و سرکوب، برای تبدیل ایالات متحده آمریکا به یک دیکتاتوری آشکار در خدمت سرمایه بزرگ به راه انداخته است و در مقیاس جهانی تلاش می‌نماید تا نیروهای ارتجاعی، فاشیستی، نازی، ملی‌گرای افراطی و پوپولیستی را در هر کشور تقویت و تحکیم نماید.

به ارتباط کشورهای تحت سلطه و زیر ستم امپریالیزم، تلاش دارد قدرت‌های هژمونیک منطقه‌ای مانند ترکیه، هند و برزیل را با خود همسو کند تا ائتلافی برای پیروزی در جنگ جهانی جدید جهان بسازد، و همزمان شوونیزم، ناسیونالیزم و بنیادگرایی دینی را تقویت نماید.

امپریالیزم آمریکا می‌خواهد از طریق جنگ از بحران و زوال خود بیرون شود؛ در حالی که سایر قدرت‌های امپریالیستی بزرگ و کوچک نیز در پی حفظ منافع خاص خود هستند.

همه اینها منجر به وضعیتی گردیده که در آن هر کشوری، دولتی و حکومتی با تجدید تسلیحاتی، اقتصاد جنگی، انتقال بحران و هزینه های جنگ بر دوش پرولتاریا و مردم، برای شرکت درین جنگ مجهز گردند.

نابرابری ها میان ثروتمندان و تهیدستان در جهان هرچه بیشتر در حال افزایش است و با تشدید بحران اقتصادی جهانی، فقر نیز افزایش می یابد. رقابت سرمایه داران/امپریالیست ها برای کسب سود بیشتر، منجر به فاجعه های اجتماعی و محیط زیستی می شود. آنچه به اصطلاح «انقلاب های صنعتی سوم و چهارم» نامیده می شوند، نه نوآوری هایی برای پیشرفت بشریت، بلکه ابزارهایی برای انباشت هرچه بیشتر سرمایه از طریق سرمایه مالی است.

جنگ های امپریالیستی و ارتجاعی باعث بی پناهی، آوارگی و پناهندگی صدها هزار نفر شده و مردمان کشور های نیمه-مستعمره و تحت سلطه مواجه با فقر و بیکاری را بطرف کشورهای کاپیتالیستی سوق می دهد.

طبقات حاکم در کشورهای سرمایه داری/امپریالیستی، و همچنین در کشورهای تحت ستم امپریالیزم، می کوشند قدرت خود را هم از طریق انتخابات که هدف آن ها تغییر چهره های حکومتی خادم شان است و نه تغییر ماهیت قدرت؛ و هم در جایی که عدم مشارکت گسترده وجود دارد، آشکارا از طریق سبک کار حکومت ها و رژیم های فاشیستی گونه، قوای پلیس دولتی و اعمال دیکتاتورهای آشکار، حفظ نمایند.

در مواجهه با همه این ها، پرولتاریا، توده های مردمی و ملت های تحت ستم امپریالیزم راهی جز تشدید مبارزه، گسترش قیام های اجتماعی و مردمی، مبارزات مسلحانه، راه اندازی جنگ خلق ها، و جنبش هایی با هدف سرنگونی دولت های ارتجاعی خدمتگزار امپریالیزم و طبقات حاکم ندارند.

این جنبش ها، با وجود تمامی قوت ها و محدودیت هایشان، نشان می دهند که هیچ جایگزینی در مسیر انقلاب، جز انقلاب های دموکراتیک نوین و انقلاب های سوسیالیستی وجود ندارد.

ابزار اصلی برای انجام انقلاب، احزاب انقلابی است. ساختن و تقویت احزاب کمونیست، و دفاع از آن ها در برابر طرح های بورژوازی برای نابودی شان (بویژه علیه مائوئیست ها: عملیات کاکار در هند، سرکوب در فیلیپین، ترکیه و غیره) وظیفه اصلی امروز و کلید پیشبرد جنبش های پرولتاریایی و مردمی در همه کشورهای جهان است.

تنها ایجاد حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست-مائوئیست است که امکان توسعه جبهه متحد پرولتاریا و مردمی و ایجاد ارتش خلق و پرولتری لازم را برای سرنگونی طبقات حاکم در هر کشور و نظام امپریالیستی در مقیاس جهانی فراهم می کند.

احزاب کمونیست (مارکسیست-لنینیست-مائوئیست) باید در آتش مبارزه طبقاتی و در پیوندی نزدیک و استوار با توده ها شکل گرفته و گسترش یابند؛ به عنوان واحدهای پیشاهنگ کارگری، واحدهایی که توانایی رهبری مبارزه پرولتاریایی و مردمی و مبارزه سیاسی و مسلحانه را در چارچوب کشورهای مختلف داشته باشند، تا جنگ طبقاتی، جنگ انقلابی و جنگ خلق را گسترش دهند.

احزاب کمونیست (مارکسیست-لنینیست-مائوئیست) باید قادر باشند خطاها و شکست های جنبش های انقلابی کمونیستی، چه در گذشته و چه در حال حاضر، را تحلیل کنند؛ و همچنین توانایی هدایت تجربه مستقیم پرولتاریا، توده ها و جنبش های مبارزاتی را داشته باشند.

احزاب کمونیست درگیر در جنگ خلق و همه احزاب و سازمان هایی که برای این جنگ و برای انقلاب فعالیت می کنند، باید در مبارزه ای مداوم علیه رویزیونیزم و «چپ روی»، نقش پیشتاز را برای شالوده گذاری یک سازمان بین المللی کمونیستی، یک سازمان بین المللی متحد، تحت درفش مارکسیزم-لنینیزم-مائوئیزم برای رهبری پرولتاریا و توده های مردم در کشورهای سرمایه داری و امپریالیستی و نیز کشورهای تحت ستم امپریالیزم در مبارزه انقلابی برای سوسیالیزم، ایفا کنند.

برای این هدف، امروز لازم است یک مجمع بین المللی کمونیستی واحد ایجاد شود که قادر به کمک در رهبری پرولتاریا در کشورهای سرمایه‌داری و امپریالیستی و نیز در کشورهای تحت ستم امپریالیزم در مبارزه؛ و در بسیج همه نیروهای ضد امپریالیستی، جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و بخش‌های پیشرو جنبش‌های ضد جنگ، فاشیسم، ارتجاع و سرکوب، نسل‌کشی‌ها و ویرانی‌های ارضی و محیط زیستی باشد.

امروزه، این مرحله ضروری برای پیشروی در بازسازی جنبش بین المللی کمونیستی و ایجاد یک انترناسیونال نوین کمونیستی است.

جهان امروز با تقابل تاریخی و سرنوشت‌ساز میان جنگ امپریالیستی و جنگ‌های پرولتاریا و ملت‌ها روبه‌رو است.

تعالیم و شعارهای لنین و مائو بار دیگر به‌طور بسیار صریح و روشن برجسته شده اند:

لنین:

- «تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی»
- «امپریالیزم، سپیده دم انقلاب جهانی پرولتاریا است»
- «یک نوع و تنها یک نوع انترناسیونالیزم وجود دارد، و آن این است که بدون قید و شرط، برای رشد جنبش انقلابی و مبارزه طبقه کارگر در کشور خود کار شود، و در عین حال این مبارزه در همه کشورها (با تبلیغ، همبستگی و کمک مادی) حمایت گردد؛ این و تنها این خط است که باید در همه کشورها بدون استثنا دنبال شود.»

مائو

«تاریخ نشان می‌دهد که جنگ‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: جنگ‌های عادلانه و جنگ‌های ناعادلانه. همه جنگ‌های مترقی عادلانه‌اند و همه جنگ‌هایی که مانع پیشرفت می‌شوند ناعادلانه‌اند. ما کمونیست‌ها با همه جنگ‌های ناعادلانه که مانع پیشرفت‌اند مخالفیم. ما کمونیست‌ها نه تنها با جنگ‌های عادلانه مخالف نیستیم، بلکه فعالانه در آن‌ها شرکت می‌کنیم. جنگ جهانی اول نمونه‌ای از یک جنگ ناعادلانه است: دو طرف برای منافع امپریالیستی جنگیدند، و به همین دلیل کمونیست‌ها در سراسر جهان قاطعانه با آن مخالفت کردند. شیوه مقابله با چنین جنگی این است که تا حد امکان پیش از وقوع آن از بروز آن جلوگیری شود، اما هنگامی که جنگ آغاز شد، باید با جنگ به جنگ پاسخ داد؛ جنگ ناعادلانه را با جنگ عادلانه، در صورت امکان، پاسخ گفت.»

اول می 2026 میلادی

امضاءها تا کنون :

1. حزب کارگران تونس (الکادحین)
2. حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
3. حزب کمونیست نیپال (اکثریت)
4. حزب کمونیست سوئیس
5. حزب کمونیست ترکیه مارکسیست - لنینیست (TKP-ML)
6. وحدت کمونیستی فرانسه
7. اتحادیه کارگران کمونیست (م ل م) کلمبیا
8. حزب (مارکسیست - لنینیست) ایتالیا
9. کمیته مائوئیست کمونیست برازیل

10. حزب مائوئیست کمونیست ایتالیا
11. حزب پرولتاریای پوربونگلا - بنگلادیش (PBSP)
12. گروه مائوئیستی راه سرخ ایران
13. حزب کمونیست انقلابی نیپال
14. گروه یون شووی نو - چین
15. سازمان کارگران افغانستان (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست - عمدتا مائوئیست)
16. درفش دسته کمونیستی کره جنوبی
17. هیئت تحریریه نشریه خبری گونگ گی (چین) - ارگان انقلابی طبقه کارگر